بهمنجنه، آش هودرده و ناناکوسا و سنتهای مشابه در ژاپون

حاتمی، حسن

و خصوصا آقا سید حسین امام جمعه فرزند او بوده است.»2«فکر می‏کنم دوستان عضو کنگره که امروز کتابخانهء دانشگاه کرمان را در محل حمام اختصاصی همین خانهء امام جمعه ملاحظه فرموده‏اند قبول خواهند کرد که آدمی که چنان حمام اختصاصی‏ باشکوه...ساخته است که هنوز دانشگاه کرمان نتوانست همهء گوشه و کنار آن را از کتاب و کتابخوان پر کند لا بد آدم متعینی بوده است»3و اینجاست که در برابر چنان خانه‏ای، دیدن عمارت ملک که در حال حاضر به صورت نیمه‏ویرانه‏ای محل بیتوتهء مهاجرانی‏ ره گم کرده و تهیدستانی پاک باخته درآمده،انسان را سخت متأثر و اندهگین می‏سازد. به‏ویژه آن‏که در برابر چنان حمامی که محل کتاب و کتابخوانی است،حمام ملک امروزه‏ مرکز کاه و کاهدانی است.

علیرضا رزمگیر(مشهد)

بهمنجنه،آش هودرده،و ناناکوسا و سنتهای مشابه در ژاپون

در شمارهء 7-8سال دوزادهم مجلهء معتبر آینده،مقاله‏ای به قلم پروفسور ایموتو تحت‏عنوان«ارمغان فرهنگ ایران به ژاپون»چاپ شده است،که در آن از سنتهائی‏ یاد شده است که به احتمال زیاد ریشهء ایرانی دارد و یا دست‏کم مشابهت آنها،بسیار قابل‏توجه است.که در زیر به اختصار به آنها اشاره می‏کنم:

«...ژاپونی‏ها در پائیز هفت گیاه و گل را آرایش می‏دهند...که به آن هفت گیاه‏ پائیزه و یا هفت‏چین می‏گویند.در بهار هم هفت‏گیاه را می‏آرایند که اینها گیاه خوراکی‏ است و رسم اخیر را«نانا کوسا»(هفت گیاه)می‏نامند و هفتمین روز سال تو هم به همین‏ نام خوانده می‏شود.این رسم به روزگاری بازمی‏گردد که مردم از کهتر و مهتر به صحرا می‏رفتند تا هفت گیاه خوراکی بجینند.ژاپونیها در این روز آشی از برنج و این‏ هفت سبزی می‏پزند و خوردن آن را برای تندرستی و آمد کارها در سال نو مؤثر می‏دانند».

«...رسم همانندی در گوشه و کنار ایران هنوز دیده می‏شود.»مثلا:«...مردم‏ دیهوک شب چهارم عید نوروز خمیرترش را با سبزی آش می‏کنند و برای آمد کار می‏خورند.(از کتاب زیر آسمان کویر/نوشته علی اصغر مهاجر)

(پاورزقی مقاله،صفحهء 353 آینده)

«...در کتاب انکین مایکی-هم آمده است که در روز هفتم سال(که در ژاپنی‏ این روز را ریشون می‏گویند)زنها لافوکو می‏خرند و می‏خورند...رسم چنین نشان‏ (2)-دکتر باستانی پاریزی،کوچه هفت پیچ،تهران،چاپ چهارم،(انتشارت نگاه)،1363،ص 218.

(3)-همان کتاب،حاشیهء ص 225 و 221.

می‏دهد که در ریشون یا نوروز با خوردن غذای نیاکات باورز در مردم پیدا شده...»

(از متن مقاله صفحهء 354 آینده)

\* در برهان قاطع ذیل کلمهء بهمنجنه آمده است:

«...نام روز دویم است از ماه بهمن و عجمان در این روز عید کنند و جشن‏ سازند...گویند در این روز سپند را با شیر خورند به جهت زیادتی حافظه و در بعضی‏ بلاد در این روز مهمانی کنند به طعامی که در آن جمیع حبوبات باشد...»

آش هودرده havdarade

مردم کازرون در ایام سوگواری ماه محرم و بیشتر در ماه صفر،آشی از کوشت‏ گوسفند و برنج و انوع حبوبات و سبزیها می‏پزند و«خیر»می‏کنند.آش،شبانه‏ پخته می‏شود و صبح زود به خانهء همسایگان و آشنایان می‏برند(خیر می‏کنند).برای هر خانه،کاسه‏ای.صاحب‏خانه کاسه را خالی می‏کند و با مقداری نبات و یا گردو و برگ سبز،پس می‏فرستد و نباید کاسه را بشوید.

این آش را،آش هودرده(هفت درده)،آش ابودردا،آش هفت دونگاره‏ (حبوبات را دونگاره می‏گویند donga?reh )،آش نذری،و همچنین آش امام زین-العابدین بیمار(ع)می‏گویند.(توجه کنید به رابطهء این سنت با نسب حضرت علی بن‏ الحسین امام زین العابدین(ع)با ایرانیان)

مردم کازرون معتقدند که خوردن این آش،سبب تندرستی و نیرومندی و باروری‏ و آمد کار می‏شود.و نذری است برای برآورده شدن حاجات و نیازها،می‏گویند امام‏ زین العابدین بیمار(ع)هم از این آش خورد و شفا یافت.

\* در کازرون نذورات دیگری هم هست که با پختن آش و خوراکیها،و«خیر کردن»آنها،ادای نذر و نیاز می‏کنند.مثل:آش عقیقه،دیگ جوش،بردن پیش تخته‏ در شب چهلم بر سر مزار تازه وفات یافته،پختن سمنو،خیر کردن زبوگش(زبان‏گشا) و سفرهء حضرت عباس.

آش هفت درده به گمان من همان آش بهمنجه است.سنت پاکی که تا امروز به جا مانده است.

ایرانیان برای اینکه بتوانند رسمها را همچنان زنده نگاه دارند،به آنها نام و زمان مناسبی داده‏اند و می‏بینیم که همچنان برپا و به جا مانده است.

انار و انگور

در مورد انار و اینکه در زمان قدیم،ایرانیان این میوه را مقدس می‏دانسته‏اند، هم امروز نیز مردم کازرون معتقدند که انار میوهء بهشتی است.و خوردن آن مایهء بهبودی بیمار و شفا می‏شود و ضرب المثلی هم دارند که:نار بده بیمار.(نار مخفف انار است)از باورهای مردم اینست که اگر دانهء انار بر زمین افتاد،باید آنرا برداشت و خورد زیرا دانه‏ای بهشتی است و نباید پایمال شود.

دادن دانه انار به پرندگان بیمار،سبب بهبود و شفای آنها می‏شود.

کاشتن درخت انار در خانه آمد و نیامد دارد.

خوردن هفت دانه دعا خوانده شده انار،سبب حل مشکلات و برآورده شدن‏ آرزوها می‏شود.

سردی و عطاری،گرمی و اناری(سردی مزاج با داروهای یک دکان عطاری و گرمی مزاج با اناری رفع می‏شود)

مردم کازرون انگور را میوهء شیطان می‏دانند و اگر دانه‏ای از آن بزمین افتاد، نباید آن را برداشت.کاشتن درخت انگور در خانه منعی ندارد.

حسن حاتمی(کازرون)

خزان و بهار

در کتابخانهء خصوصی دوست دانشمندم آقای محمد حسن فاضل کتابی خطی‏ موجود است به نام خزان و بهار که مؤلف آن آقای محمد شریف ابن شمس الدین‏ متخلص به کاشف است که پدرش اصلا شیرازی بوده ولی نویسنده در کربلا متولد شده‏ و در سال 1006 هجری که نویسنده شش ساله بود.والدینش به اصفهان مهاجرت کرده و بیست و سه سال در آن دیار بسربرده است.پس از آن به شهر ری مهاجرت کرده و پدرش‏ در سال 1054 وفات یافت.محمد شریف مدت پانزده سال قاضی شهریار بود.

نویسندهء این کتاب داستان پدر را چنین توصیف میکند که در سال 999 که‏ از کربلا باصفهان هجرت کرده بود،یکی از دبیران شاه عباس که ملک محمد نام داشته‏ که با یکی از دختر عموهای پدر نویسندهء کتاب ازدواج کرده بود،مورد غضب شاه‏ بود صادر و دستور دستگیری و سخت‏گیری ملک محمد را داده بود و بمناسبت خویشی‏ با او پدر نویسندهء کتاب توقیف و مورد آزار قرار گرفته و بر حسب تصادف منشی حاکم‏ شاگر دائی او بوده و با وساطت او نجات یافته.

در نظم انوع شعر از قصیده و غزل و رباعی و ترجیع و ترکیب طبع آزمائی‏ کرده،فهرست تألیفات او به نظم به تصریح خودش عبارتند از:لیلی و مجنون،و هفت‏ پیکر،عباس‏نامه و به نثر کتابهای شرح سراج المنیر،دره و مکنون،و حواس باطن است.

خزان و بهار را به خواهش برادر کوچکترش که محمد اسمعیل نام داشته و مقیم‏ هند بوده تألیف کرده و برای او فرستاده است،تاریخ خاتمهء کتاب سال 1060 است‏ .